

پیش‌خوان

باز خوانی «قدرت سر کوب رژیم پهلوی و انقلاب اسلامی»

حمله کار آمد و دفاع ناکار آمد

■ **شاهد توحیدی**



چند و چون از کار افتادن ماشین سر کوب رژیم شاه در برابر نهضت اسلامی، از سرفصل‌های مطالعه درباره آن است. این امر ملازم است با مطالعه انواع روش‌های سر کوب در دوران حاکمیت پهلوی‌ها وتوجه‌ناکار آمدی تدریجی آنها. مرکز اسناد انقلاب اسلامی اخیراً و طی پژوهشی ابعاد گوناگون این مقوله را مورد بررسی قرار داده است. مؤلف اثر جناب حمید شایسته‌پور در دیباچه‌ای که براین کتاب نگاشته، ابعاد تحقیق خود را این گونه بازنمایانده است: «در میان رژیم‌های معاصر حاکم بر ایران رژیم پهلوی و به‌طور مشخص محمد زشاهه طی سال‌های ۱۳۵۷- ۱۳۴۲ بیش از هر رژیمی در ایران به نیروهای مسلح توجه و تکیه داشت، وی به عنوان فرمانده کل قوا همسایگانش فراهم آورد. استفاده از قدرت سر کوب برای می‌تواند ابزار و مهم لازم را برای دخالت در امور منطقه و داخلی حفظ کند، بلکه با توجه به جاه‌طلبی هایش می‌تواند ابزار و مهم لازم را برای دخالت در امور منطقه و همسایگانش فراهم آورد. استفاده از قدرت سر کوب برای تثبیت نظام و حفظ آن در مقابل مخالفت‌های داخلی به گونه‌های مختلفی صورت می‌گرفت. از جمله سر کوب تظاهرات و مخالفت‌های علنی توسط پلیس و نیروهای اطلاعاتی و امنیتی، اعمال حکومت نظامی در مواقع بحرانی، اعمال مجازات مخالفان از طریق دادگاههای فرمایشی، ایجاد و توسعه شبکه اطلاعاتی و امنیتی به‌ویژه ساواک که فعالیت‌های آن برای سر کوب مخالفان تا سطوح بین‌المللی نیز گسترش یافته بود.»

باین حال سؤال اصلی این است: چرا رژیم شاه به‌رم در فرمایشی، ایجاد و توسعه شبکه اطلاعاتی و امنیتی به‌ویژه ساواک که فعالیت‌های آن برای سر کوب مخالفان تا سطوح بین‌المللی نیز گسترش یافته بود.»

نئولاست: از وقوع انقلاب اسلامی جلوگیری کند؟



شاهین از کمیته مشترک ضد خش‌گذاری ساواک مورد ضربت کوبی

سؤالات فرعی که در این باره مطرح هستند عبارت‌اند از:

–قدرت سر کوب رژیم پهلوی چگونه اعمال می‌شد و هر کدام از دستگاه‌های نظامی، امنیتی، اطلاعاتی و پلیسی قدرتی در سر کوب داشتند؟

– ساختار نیروهای نظامی ایران پیش از انقلاب اسلامی چگونه بود و میزان وابستگی آن به شاه و قدرت‌های خارجی تا چه اندازه بود؟

– قدرت مخالفان رژیم شاه چقدر بود؟

– دی‌کلتیک قدرت بین رژیم شاه و مخالفان آن به چه صورت بود؟

برای پاسخ به پرسش‌های مطرح شده دو فرضیه ارائه شده‌است:

فرضیه نخست: رژیم شاه برای جلوگیری از وقوع انقلاب در دادگاه‌های محلی بود و مزایای آن نیز شامل معافیت‌های گمرکی در حدود متعارف بین کشورها می‌شد و بر حسب رده کادر دیپلماتیک، متغیر بود. برای مثال سفیر به نسبت بقیه اعضای کادر دیپلماتیک، از مزایا و مصونیت‌های بیشتری برخوردار بود و سفار تخانه‌ها و دیگر ساختمان‌های مربوط به آن از تعرض نیروهای نظامی و انتظامی دولت پذیرنده مصون بودند و بسته‌های پست دیپلماتیک

«

در دی ۱۳۴۳ دولت بر اثر فشارهای بودجه‌ای، مجبور شد بهای بسیاری از کالاهای اساسی را گران کند که این مسئله به وخیم تر شدن شرایط اقتصادی مردم دامن زد. با این همه عامل اساسی قتل منصور، رویارویی رژیم با گروه‌های سیاسی و بالاخره مخالفان مذهبی بود. هم از این روی بود که نهایتاً منصور به دست اعضای جمعیت مؤتلفه اسلامی و در برابر مجلس شسورای ملی اعدام شد

تاریخ

کفت و گو ۸۸۴۹۴۳۷



نظری بر احیای کاپیتولاسیون در دولت منصور به مثابه نمادی از سلطه‌پذیری

باج حکومت کودتا به امریکا

■ **احمد رضا صدری**
در روزهایی که حنای تمامیت‌خواهی و سلطه‌جویی امریکا در ایران و جهان رنگ می‌بازد، نظری بر پیشینه این رویکرد در تاریخ کشورمان بهنگام به نظر می‌رسد. مقالی که در بی‌بی‌سی می‌آید در صدد بازکاوی احیای کاپیتولاسیون به مثابه یکی از مراحل سلطه‌جویی امریکا در ایران است.

■ **آغاز یک بحران بزرگ**

در حالی که حدود هشت ماه از فعالیت دولت حسنعلی

منصور می‌گذشت و به‌ظاهر، مشکلی در عرصه سیاسی و اقتصادی دیده نمی‌شد، به ناگاه مجلس با تصویب لایحه «موافقت‌نامه وضعیت نیروهای مسلح امریکایی در ایران» دولت را دچار بحران سختی کرد. دامنه این بحران در روزهای بعد گسترش یافت و به رسوایی بزرگی برای رژیم تبدیل شد. «کاپیتولاسیون» به لحاظ حقوق سیاسی، «قرار دادی است که به موجب آن، شهروندان یک دولت در قلمرو دولت دیگر، از نظر امور حقوقی و کیفری تابع قوانین خود خواهند بود و این قوانین را کنسول‌های آن دولت در محل وقوع جرم اجرا می‌کنند.» سابقه کاپیتولاسیون در ایران به زمان جنگ‌های ایران و روس برمی‌گردد که در عهدنامه ترکمن‌چای در سال ۱۲۰۷/۱۸۲۸ به ایران تحمیل شد. این وضعیت بعد از عهدنامه دوستی ایران و شوروی که در سال ۱۹۲۱ انعقاد یافت، لغو شد.

طرح مسئله کاپیتولاسیون از سوی امریکایی‌ها در این روزگار، شرایط دیگری داشت. این شرایط از کنواسیون حقوق دیپلماتیک وین سرچشمه می‌گرفت که در ۱۸ آوریل ۱۹۶۱ به تصویب رسیده بود. در حالی که کنواسیون وین هنوز در مجلس شورای ملی به تصویب نهایت نرسیده بود، مقامات امریکایی توقع داشتند مزایا و مصونیت‌های دیپلماتیک در مورد نظامیان امریکایی‌مأمور در ایران و خانواده‌هایشان نیز اعمال شود. به موجب کنواسیون وین، مأموران سیاسی که تحت عنوان و مزایای خاصی در کشور پذیرنده برخوردارند، این مصونیت‌ها شامل معافیت از محاکمه و بازپرسی در دادگاه‌های محلی بود و مزایای آن نیز شامل معافیت‌های گمرکی در حدود متعارف بین کشورها می‌شد و بر حسب رده کادر دیپلماتیک، متغیر بود. برای مثال سفیر به نسبت بقیه اعضای کادر دیپلماتیک، از مزایا و مصونیت‌های بیشتری برخوردار بود و سفار تخانه‌ها و دیگر ساختمان‌های مربوط به آن از تعرض نیروهای نظامی و انتظامی دولت پذیرنده مصون بودند و بسته‌های پست دیپلماتیک

حسنعلی منصور در کنار محمدشر پهلوی و جعفر شیر قیامی در حاشیه یکی از مراسم

پیش از طرح و تصویب لایحه کاپیتولاسیون، حسنعلی منصور تصور کرده بود که به جای تبعید، می‌تواند امام خمینی را در قم کنترل کند اما با این شرایط دیگر تبعید وی در یافت کرد. در شب ۱۳ آبان ۱۳۴۳، کماندوهای وابسته به ساواک به منزل امام خمینی ریختند و ایشان را به تهران آوردند. در تهران، مقدمات کار آماده شده بود تا ایشان را به ترکیه تبعید کنند. تبعید ایشان به ترکیه و عراق، ۱۵سال به طول انجامید

تصویب آن دوری جویند، پس از دو سال کشمکش و جز و بحث بر سر تصویب این لایحه و رد و بدل شدن آن میان سفارت امریکا و دولت، بالاخره در جلسه ۲۱ مهر ۱۳۴۳، دولت منصور این لایحه را به مجلس شورای ملی ارسال کرد. این لایحه قبلاً در کابینه علم در مهر ۱۳۴۳ تنظیم شده بود و در دی‌ماه به مجلس سنا ارائه شده و مجلس سنا در ۳ مرداد ۱۳۴۳ آن را تصویب کرده بود. پس از آن، لایحه به مجلس شورای ملی برده شد. مجلس در شرایطی خاص در ۲۱ مهر ۱۳۴۳ رأی ۷۴ بر ۶۱ موافق و ۶۱ مخالف، لایحه را تصویب کرد. هنوز خبر تصویب لایحه به میان مردم نرسیده بود که مجلس، به تصویب لایحه در یافت ۲۰۰ میلیون دلار وام از بانک‌های خصوصی امریکایی پرداخت. ضمانت این وام را دولت امریکا در قبال لایحه مصونیت نظامیان پذیرفته بود و دولت منصور در نظر داشت آن را صرف خرید تجهیزات نظامی مدرن از امریکا کند. در هر صورت، تصویب لایحه، اوضاع سیاسی کشور را به شکل انحصار آمیز در آورد. به قول «بیل»: «برای ایرانی‌ها روشن بود که این پول باداش دولت ایران برای پذیرفتن قانون جدید کاپیتولاسیون بوده است». اما منصور از آن دفاع می‌کرد و با یادآوری تجزوات منطقه و روابط وقت ایالات متحده، اوضاع منطقه خاورمیانه را بسیار بی‌ثبات و ناام و تقصیر کرده و خواستار مداخله نیروهای ایالات متحده در منطقه شد. به باور «ایدن»، بی‌ثباتی‌های خاورمیانه ناشی از احساسات ملی‌گرایانه برهبران منطقه است که تحت تأثیر اقدامات دکتر مصطفی تشیع شده‌اند و دامنه آن غیرقابل پیش‌بینی است: «نباید به ناصر اجازه داد کانال سوئز را ببندد. ما در خاورمیانه و افریقا دوستان فراوانی داریم و نیز، دوستان دیگری داریم که آن قدر باهوش و زریند که می‌دانند طرح‌ها و نقشه‌های ناصرها و مصدق‌ها آنها را به کجا خواهد برد ولی اگر ناصر بار دیگر در کار خود پیروز شود، این دوستان آن قدر نیرومند نیستند که در برابر قدرت مردم کوچک و بازار مقاومت کنند. چیهه متحد ما، هر اندازه، واقعی بین نیروهای ناسیونالیست-وحدت هر اندازه بیشتر تجلی یابد، بدون توسل ما به زور و قوه‌فهریه، این شانس بیشتر خواهد شد که ناصر میدان را خالی کند.»

■ **کلی‌اعتراض تاریخ‌ساز**
تصویب اینس دو لایحه با مخالفت‌هایی در میان عموم مردم، به‌ویژه مخالفانثنگاهی و سیاسی داخل و خارج مواجه شد. منصور در جلسه نهم و دهم مجلس در پاسخ به این مخالفت‌ها گفت: «مصونیت سیاسی خاص مملکت ما نیست، در کشورهای همسایه هم سابقه دارد، ملت ایران تمام رشته‌های انامنی را گسیخته است و دولت ایران ا با دادن مصونیت سیاسی به چند مستشار امریکایی، کوچک‌ترین زبانی به حقوق ملت ایران نمی‌رساند. ارتش ایران، بلکه ملت ایران و دولت و مجلسین ایران در مواقع ضروری و لازم جویاگوی دشمنان داخلی و خارجی مملکت خواهند بود.»

به کار بردن لفظ دشمنان داخلی، در عمل پاسخ به سخنان و اعتراضات امام خمینی در سخنرانی چهارم آبان ۱۳۴۳ بود. در این روز، امام در نطق خود اعتراض شدیدی به کاپیتولاسیون کرد و آن را اسند بر دگی ملت ایران نامید. ایشان در این نطق، شاه، امریکا و اسرائیل را مسئول بدبختی‌های ملت ایران عنوان کرد و منصور را «هر دک» خطاب کرد. حسین امر، «طبق اطلاعات موثق و شواهد و دلایل کافی، چون رویه آقای خمینی و تحریکات متضالیه علیه منافع ملت و امنیت و استقلال و تمامیت ارضی کشور تشخیص داده شد، لذا در تاریخ ۱۲ آبان ۱۳۴۳ از ایران تبعید گردید. سازمان اطلاعات و امنیت کشور»

اگرچه امام خمینی به ترکیه تبعید شدند، همین مسئله، بهانه لازم برای تقابل دو گروه مخالف و موافق رژیم را فراهم آورد و سرنوشت دولت منصور را در روزهای بعد رقم زد.

■ **واکنش نیروهای مذهبی جامعه به یک لایحه**

در دی ۱۳۴۳، دولت بر اثر فشارهای بودجه‌ای، مجبور شد بهای بسیاری از کالاهای اساسی را گران کند که این مسئله به وخیم‌تر شدن شرایط اقتصادی مردم دامن زد. این شرایط آن قدر ناگوار و غیر قابل تحمل بود که اوضاع سیاسی را نیز بحرانی کرد. این تحلیل را بسیاری از نویسندگان، به‌ویژه نویسندگان خارجی برای تبیین شرایط وخیم سیاسی که به قتل منصور منجر شد، به کار می‌بندند اما به‌رغم این واقعیت که در کابش میزان مشروعبت رژیم مؤثر بوده و قتل منصور را در آن روزگار در میان توده مردم توجه می‌کرد، عامل اساسی قتل منصور، رویارویی رژیم با گروه‌های سیاسی و بالاخره مخالفان مذهبی بود. هم از این روی بود که نهایتاً منصور به دست اعضای جمعیت مؤتلفه اسلامی و در برابر مجلس شورای ملی اعدام شد.

۱۳۴۳ اعضای جمعیت مؤتلفه اسلامی پس از صدور حکم محکمه‌نظامی

